

ترس و پول در دوبي (۱)

ترجمه و تلخیص: ایوب رحمانی

مایک دیویس



ساختمان است، یا مراحل طراحی را می‌گذرانند. از جمله‌ی اینها می‌توان از پروژه مصنوعی "جزیره‌ی جهان" که گفته می‌شود راد استوارت برای خرید "بریتانیا" در آن ۳۳ میلیون دلار پرداخته است، بلندترین ساختمان دنیا (برج دوبي که توسط اسکید مور، اوینکز و مريل طراحی شده است)، هتل لوکس در زیر آب، پروژه دایناسورهای گوشت‌خوار، پیست‌های اسکی سرپوشیده و پاساژهای غول پیکر را نام برد. هم اینک هتل هفت ستاره و مثلی شکل "برج العرب" - که نمونه‌اش را در فیلمهای جیمزباندی می‌توان دید- به خاطر اتاق شبی ۵۰۰۰ دلار و داشتن چشم‌اندازی با گستره‌ی ۱۶۰ کیلومتر و نیز به خاطر مشتریان خاص خود از خانواده‌های سلطنتی عرب، ستاره‌های موسیقی راک انگلیس و میلیاردرهای روسی، شهرت جهانی دارد.

اما بزرگترین این پروژه‌ها به نام "دوبي لند"، نشان دهنده‌ی مرحله‌ی جدید در دنیای فانتزی است. "دوبي لند"، همچون سرآمد همه تفریحگاه‌ها، دو برابر "دیسنی وورلد" خواهد بود که در آنجا ۳۰۰ هزار نفر به کار گرفته خواهند شد تا سالیانه به ۱۵ میلیون مراجعه کننده که (هرکدام حداقل ۱۰۰ دلار در روز غیر از هزینه مسکن خرج خواهند کرد) خدمات ارائه دهند. "دوبي لند" همچون یک انسایکلوپیدای سوررالیستی شامل ۴۵ مجتمع خواهد بود. این مجتمع‌ها از جمله عبارت‌اند از: مدل باغهای معلق بابل، تاج محل، اهرام سه‌گانه، کوههای برفی با تله‌کابین‌های اسکی، خرس‌های قطب شمال، مرکز ورزشهای بی‌نهایت، دهکده‌ی بادیه‌نشین‌ها، مجتمع عظیم چشمه‌های آب معدنی شفا بخش اندلسی، "دنیای جهانگردی طبیعت‌گرا"، میدان اسب دوانی "دنیای گولها"، "فانتزیا" بزرگترین باغ وحش خاور میانه،

به بهشت شگفت‌انگیز خوش آمدید. اما اینجا کجاست؟ آیا اینجا دنیای رمان جدید مارگارت اتوود است یا جهان توصیفی در قسمتهای هنوز چاپ نشده‌ی اثر فلیپ. ک. دیک به نام "دونده کند"؟ هیچکدام! اینجا دولت-شهر دوبي در سال ۲۰۱۰ در خلیج فارس است. بعد از شانگهای (با جمعیت کنونی ۱۵ میلیونی)، دوبي (با جمعیت فعلی ۵/۱ میلیونی)، بزرگترین مرکزساختمان سازی در جهان است: مکان پیدایش یک دنیای رویایی مصرف فاحش و آنچه که ساکنان آنجا "شیوه زندگی فرد اعلا" می‌نامند. پیش بینی می‌شود که دوبي علی‌رغم شرایط اقلیمی بسیار گرمش در روزهای تابستان (حرارت معمولاً به ۱۲۰ درجه فارنهایت می‌رسد و هتلهای بسیار لوکس، آب استخرشان را با سرد کننده خنک می‌کنند) و قرار داشتن در حاشیه منطقه جنگی با داشتن انبوهی از آسمانخراشها و پاساژها، تا سال ۲۰۱۰ سالیانه ۱۵ میلیون توریست را به خود جلب کند، یعنی سه برابر نیویورک. شرکت هواپیمایی امارات هم‌اکنون خرید هواپیماهای بویینگ وارباس به رقم سرسام آور ۳۷ میلیارد دلار را برای پرواز این توریستها از طریق فرودگاه جدید و بسیار بزرگ "جبل علی" سفارش داده است. به دلیل اعتیاد گشوده جهان به نفت اعراب، دوبي، این دهکده‌ی سابقا ماهیگیری و خور قاچاقچیان، قرار است به یکی از پایتختهای جهان در قرن بیست و یکم بدل شود. دوبي که الماس واقعی را به الماس بدل ترجیح می‌دهد، هم اینک لاس وگاس، یکی دیگر از مناطق کویری مورد علاقه سرمایه داران را هم از لحاظ خیره‌کنندگی و هم از لحاظ اسراف در مصرف آب و برق، پشت سر گذاشته است.

چندین پروژه بسیار عظیم و عجیب و غریب، هم اکنون یا در دست



چندین هتل پنج ستاره، گالری هنر مدرن و پاساژ عربی.

خود گوشزد می‌کند که یکی از دست‌آوردهای افتخار برانگیز او ایجاد جامعه شهری در عربستان، سرزمین چادرها و بیابانگرد ها است. به دلیل علاقه مفراط و نامحدود امیر به آهن و بتون، این کویر ساحلی اینک به صورت صحنه‌ای در آمده که برجسته‌ترین شرکتهای مهندسی جهان به آنجا دعوت می‌شوند تا در آنجا مجتمع‌هایی با تکنولوژی پیشرفته، مناطق تفریحی، کوه‌های برفی در زیر طاق‌های

دوبی تحت حاکمیت استبدادی امیر آنجا یعنی شیخ محمد المختوم و اطرافیانش به سمبل شهرسازی از روی نقشه بدل شده است. شیخ مو - المختوم در بین دوبی های ترک وطن کرده، به این نام معروف است - این میلیارد، هدف مشخص و البته نه چندان فروتنانه‌ای دارد. او

جزیره ای به شکل جهان در ”دوبی“



شیشه‌ای و شهر در دل شهر بنا کنند.

دوبی در آرزوی ویژه خود برای کسب مقام اول در کتاب رکورد معماری، تنها یک رقیب دارد و آن چین است. چین در حال حاضر ۳۰۰ هزار میلیونر دارد و پیش‌بینی می‌شود که در ظرف چند سال آینده به بزرگترین بازار مصرف کالاهای لوکس (از گوچی گرفته تا مرسدس بنز) بدل شود. دوبی با شروع از فنودالیسم، و چین با آغاز از مائوئیسم دهقانی، هردو از طریق آنچه تروتسکی ”رشد ناموزون و

می‌گوید: ”من می‌خواهم در جهان اول باشم“. شیخ اگر چه طرفدار پروپا قرص اسب‌های اصیل (او بزرگترین اصطبل دنیا را دارد) و سوپر قایق‌های تفریحی است (قایق او موسوم به ”پروژه پلاتونیوم“ ۱۷۵ متر طول دارد و به زیر دریایی و سکوی پرواز مجهز است)، اما شهوت مالیکولیایی او معطوف به ساختمانهای غول پیکر است. در واقع چنین به نظر می‌آید که او اثر فراواقعی اسکات و ونتوری، موسوم به ”آموزش از لاس وگاس“ را موبه مو به اجرا گذاشته، درست همان گونه که مسلمانان مومن، قرآن را از حفظ می‌کنند. او غالباً به ملاقات کنندگان



مرکب می‌خواند" به مرحله سرمایه داری افراطی (هایپر کاپیتالیسم) وارد شده اند. "باروچ کنیپاز" در تلخیص درخشان خود از نظریه تروتسکی چنین می‌نویسد: "جامعه عقب مانده، هنگام الحاق به صورت‌بندیهای جدید، نه از شروع این صورت‌بندیها و نه از مراحل تکامل آنها آغاز نمی‌کند، بلکه از محصول نهایی آغاز می‌کند. در واقع جامعه‌ی عقب مانده از این هم فرا تر می‌رود، این جامعه، نتایج حاصله را نه به صورتی که در کشورهای اصلی موجود هست، بلکه شکل

ایده ال آن را نسخه‌برداری می‌کند. جامعه عقب

مانده دقیقا به این دلیل قادر به چنین کاری است که در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند بجای از سر گذراندن تمام روند توسعه، خود را الحاق کند. همین امر، روشنگر این است که چرا اشکال جدید در جامعه عقب مانده در مقایسه با کشور پیشرفته، که این اشکال با طی مراحل و در چارچوب امکانات تاریخی به وجود آمده است، عالی تر است."

در ارتباط با دویی و چین، تمام دشواری‌های مراحل میانی تکامل تجارت، درهم تنیده و یا میان‌بر زده شد، تا سنتزی "بی کم و کاست" از خرید، تفریحات و نمایش برجسته از لحاظ معماری در ابعاد بسیار عظیم به وجود آید.

مسابقه بین چینی‌ها و عربها برای کسب افتخار ملی و خواست سوزان آنها برای افراط در همه چیز، البته در تاریخ بی سابقه نیست. این امر یادآور رقابت مشهور بین بریتانیا و امپراطوری آلمان برای ساختن کشتیهای جنگی در اوایل ۱۹۰۰ است. اما آیا چنین استراتژی توسعه اقتصادی، قابل دوام است؟ پاسخ در کتابهای مرجع احتمالا منفی است. افراط در ایجاد ساختمان‌های غول پیکر، همیشه نشان مشمزنکننده از اقتصادهای فرورفته در سفته‌بازی و معاملات سرسام آور سهام بوده است. هر رونق اقتصادی مدرن از خود آسمان خراشهایی را به ارث نهاده است. ساختمان‌های "امپایر استیت" و مرکز تجارت جهانی، سنگ قبرهای چنین رونقی بوده اند. بدین ها به درستی می‌گویند که بازار حجیم و پر رونق مستغلات در دویی و شهرهای چین، مخزن واریز سودهای مازاد جهان است- در مورد دویی سود مازاد به دست آمده از صدور نفت و در ارتباط با چین سود مازاد از صدور

مسابقه بین چینی‌ها و عربها برای کسب افتخار ملی و خواست سوزان آنها برای افراط در همه چیز، البته در تاریخ بی سابقه نیست. این امر یادآور رقابت مشهور بین بریتانیا و امپراطوری آلمان برای ساختن کشتیهای جنگی در اوایل ۱۹۰۰ است. اما آیا چنین استراتژی توسعه اقتصادی، قابل دوام است؟

تولیدات صنعتی- سود مازادی که به دلیل ناتوانی کشورهای ثروتمند در کاهش مصرف نفت و در ارتباط با آمریکا به دلیل ناتوانی آن کشور در ایجاد توازن در حساب جاری خود، ایجاد شده است. اگر سیکل‌های اقتصادی پیش از این را راهنما قرار دهیم، پایان کار احتمالا نزدیک است و مملو از آشفتگی خواهد بود. با این حال، المختوم مانند شاه جزیره شناور و اسرارآمیز لاپوتا در "سفرهای گالیور" بر این باور است که راز پرواز جاودان را یافته است.

جذب‌دهی دویی البته ناشی از اوج گیری قیمت نفت است. هر گاه که شما ۵۰ دلار صرف پرکردن باک بنزین اتوموبیل‌تان می‌کنید، از این طریق به آبیاری واحه‌های المختوم یاری می‌رسانید. افزایش قیمت نفت در شرایط کنونی به دلیل تقاضای روز افزون چین صنعتی به این ماده و نیز ترس از جنگ و تروریسم در منطقه نفت خیز جهان است. به نوشته‌ی وال استریت جورنال، مصرف‌کنندگان در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ جمعاً ۲/۱ تریلیون دلار بیش از سال ۲۰۰۳ برای محصولات نفتی پرداخت کرده‌اند. مانند سالهای ۱۹۷۰ حجم عظیم و مختل کننده ای از ثروت، در حال انتقال از کشورهای مصرف کننده نفت به سوی کشورهای تولید کننده است. بعلاوه، هم‌اکنون می‌توان نقطه عطف موسوم به "نقطه عطف هابرت" را در افق مشاهده کرد: نقطه‌ای که در آنجا ذخایر نفتی، دیگر جوابگوی تقاضای جهانی نیست و بنابراین قیمت نفت واقعا نجومی خواهد شد. شاید در بعضی از مدل های اتوپیایی اقتصادی، این ثروت باد آورده بتواند منبعی برای سرمایه‌گذاری در جهت تغییر مسیر اقتصاد جهانی به سوی تولید انرژی قابل احیا و کاهش میزان برون‌داد گازهای گلخانه‌ای و افزایش بازدهی زیست-محیطی سیستم‌های شهری گردد. اما در دنیای واقعی سرمایه‌داری، این ثروت، یارانه‌ای شده است برای تجمل‌گرایی خداوندگاران که دویی دارد مظهر واقعی آن می‌شود.

در دویی، همچون دیگر همسایگانش در امارات، بی‌حقوقی کامل کار حکم رواست. در کشوری که برده‌داری را تازه در سال ۱۹۶۳ لغو کرد، اتحادیه‌های کارگری، اکثر اعتصابات و هر گونه تبلیغ و ترویج، غیر



رونق ساختمان سازی، که یک چهارم نیروی کار را تماما به خدمت گرفته، بر دوش ارتشی از کارگران پاکستانی و هندی با دستمزدهای بسیار ناچیز استوار است. بزرگترین گروه کارگران اعزامی از "کرالا" هندوستان، شش روز در هفته و هر روز دوازده ساعت در هوای داغی که اسفالت را ذوب می‌کند کار می‌کنند.

دوبی همانند دیگر همسایه‌گان اش مقررات سازمان جهانی کار را نقض می‌کند و از پذیرش کنوانسیون جهانی کارگران مهاجر سر باز می‌زند. دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ امارات را متهم کرد که در حال ایجاد رفاه و تنعم از قبل کار اجباری است. روزنامه ایندپندنت اخیرا تاکید کرد که بازار کار دوبی شباهت زیادی به نظام بیگاری‌ای دارد که توسط سرور سابق و استعمارگرش یعنی بریتانیا در آنجا پیاده شد. این روزنامه ادامه می‌دهد: "کارگران امروز آسیایی همانند اجداد فقرزده خود، مجبور می‌شوند که در هنگام ورود به امارات متحده عربی، سند بردگی خود را برای چند سال امضا کنند. حقوق کارگران در فرودگاه ناپدید می‌شود. نمایندگان بنگاه‌های کاریابی، همانجا پاسپورت و ویزای آنان را مصادره می‌کنند، تا از این طریق آنان را تحت کنترل خود بگیرند.

از بردگان دوبی انتظار می‌رود که علاوه بر تن دادن به فوق استثمار، همانند پرولتاریا در "متروپلیس" اثر فریتزلانگ، عموما نامرئی باشند. مطبوعات آنجا (امارات در شاخص آزادی مطبوعات جهان در رده رقت انگیز ۱۳۷ قرار دارد) از چاپ گزارش در مورد کارگران مهاجر، شرایط استثمارگرانه کار و تن‌فروشی منع شده‌اند. همچنین ورود کارگران آسیایی به پاساژهای پُرزرق و برق، به مکان‌های بازی گلف و رستوران‌های شیک ممنوع است.

به همین گونه در تصویر رسمی ارائه شده از دوبی به عنوان شهر تجملی و بدون فقر و زاغه‌نشینی، سخنی از وجود کمپ‌های کارگری دورافتاده که کارگران در آنجا، شش، هشت و حتی دوازده نفره در یک اتاق و بدون دسترسی به توالت درست و حسابی و کولر زندگی می‌کنند، در میان نیست. بنا به یک گزارش، حتی وزیر کار امارات در دیدار اخیر خود از یک کمپ کارگری دور افتاده، متعلق به یک پیمان کار بزرگ ساختمانی، از مشاهده انبوه کثافات و شرایط تقریبا غیرقابل تحمل، دچار شوک شده است. با این وجود هنگامی که همان کارگران تلاش کردند که برای اخذ دستمزدهای معوقه خود و بهبود شرایط کار، اتحادیه تشکیل دهند، بلا درنگ دستگیر شدند. پلیس دوبی شاید چشم خود را بر روی واردات غیرقانونی الماس و



قانونی است. ۹۹ درصد نیروی کار شاغل در بخش خصوصی، شهروند دوبی به حساب نمی‌آیند و هر زمان می‌توان آنها را از کشور اخراج کرد. حقیقتا که متفکران ژرف‌اندیش در انستیتوهای "امیریکن انترپرایز" و "کاتو" وقتی که به تعمق در نظام طبقاتی و حقوقی دوبی می‌پردازند باید دهانشان آب بیفتند.

در راس هرم اجتماعی البته که المختوم‌ها و پسر عموهایشان قرار دارند که صاحب هر ذره سود آور از شن این شیخ‌نشین هستند. بعد از آنها ۱۵ درصد جمعیت (بسیاری از آنها در اصل از عرب‌زبان‌های جنوب ایران هستند) که طبقه مرفه را تشکیل می‌دهند و پوشش متمایزکننده‌شان "دیش داشه" سنتی سفید رنگ است. فرمانبرداری این طبقه از خاندان حکومتی، بوسیله انتقال درآمد، آموزش مجانی، خانه‌ی یارانه‌ای و شغل دولتی پاداش داده می‌شود. در مرحله پایین‌تر، پول دوستان نُنربارآمده قرار دارند؛ اینها عبارت‌اند از: بیش از ده هزار نفر بریتانیایی مهاجر (ده هزار نفر دیگر از بریتانیایی‌ها در دوبی خانه دوم دارند) و اروپایی‌های دیگر، لبنانی‌ها، ایرانی‌ها، و رئیس‌ها و کارپردازان هندی که از دو ماه تعطیلات با حقوق خود در هر تابستان، استفاده کامل کرده و در مکان‌های کولردار زندگی می‌کنند. در میان بریتانیایی‌ها، دیوید بکهام که مالک یک ساحل است و راد استوارت که یک جزیره خریده است، در صدر قرار دارند.

این دولت-شهر همچنین مینیاتوری است از راج (حکومت انگلستان در هند)؛ منتها از یک لحاظ مهم شهرت بیشتر در بد نامی دارد. بخش بزرگ جمعیت را کارگران قراردادی از جنوب آسیا تشکیل می‌دهند که قانونا به یک کارفرما وابسته و متعهد هستند و تحت کنترل اجتماعی توتالیته قرار دارند. شیوه‌ی زندگی مجلل در دوبی، متکی بر وجود شمار کثیر خدمتکاران فیلیپینی، سریلانکایی و هندی است؛ و



طلا و فعالیت باندهای روسپی‌گری و آدم‌های مشکوک که در یک معامله ۲۵ ویلا را با پول نقد می‌خرند، ببندد. اما همین پلیس با پشتکار تمام، کارگران پاکستانی را هنگامی که از دست پیمانکاری بی‌وجدان که دستمزدشان را بالا کشیده، شکایت دارند دیپورت می‌کند؛ و یا خدمتکاران فیلیپینی را وقتی که به پلیس گزارش می‌دهند که توسط کارفرما مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، به جرم ارتکاب زنا به زندان می‌اندازد. دویی و همسایگانش در امارات، برای جلوگیری از آتشفشان در تب و تاب شورش شیعیان که بحرین و عربستان سعودی را سخت نگران کرده، ترجیح داده‌اند که کارگران غیرعرب را از کشورهای هند، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش، نپال و فیلیپین به خود جذب کنند. اما

از آنجا که کارگران آسیایی اکنون اکثریت ناراضی جمعیت را تشکیل می‌دهند، امارات، مسیر را عوض کرده و "سیاست تنوع فرهنگی" را در پیش گرفته (یک پیمانکار می‌گوید که به ما گفته‌اند که دیگر کارگر آسیایی استخدام نکنیم)، تا از طریق افزایش کارگران عرب، بافت جمعیت را به منظور اعمال کنترل بیشتر بر نیروی کار عوض کند.

اما سیاست تبعیض علیه کارگران آسیایی، نتوانسته که موجب جذب تعداد کافی از کارگران عرب شود که حاضر

باشند با مزد ناچیز (۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار در ماه) که به کارگران ساختمانی پرداخته می‌شود به کار بپردازند، تا تقاضای سیری‌ناپذیر پروژه‌های بسیار عظیم و ناتمام و آسمان‌خراش‌های نیمه‌ساخته، بر آورده شود. رونق بخش ساختمان، با سابقه‌ی اسف‌انگیز آن در ارتباط با خطرات محیط کار و نادیده گرفتن نیازهای ابتدایی کارگران، باعث نخستین شورش کارگری در دویی گردید. به گزارش دیده بان حقوق بشر تنها در سال ۲۰۰۴ تعداد ۸۸۰ نفر کارگر ساختمانی در هنگام کار جانشان را از دست دادند و بیشتر سازه‌های مرگ‌بار توسط کارفرمایان گزارش نگردید و یا توسط دولت مخفی نگاه داشته شد. کمپانی‌های بزرگ ساختمانی و پیمانکاران آنها از ارائه حداقل امکانات بهداشتی و یا عرضه‌ی آب آشامیدنی مورد نیاز کارگران به کمپ‌های واقع در نقاط دور افتاده در کویر، خودداری می‌کنند. علاوه بر اینها، کارگران از مسافرت طولانی برای رسیدن به محل کار، زورگویی

سرکارگران (که غالباً با چاشنی توهین‌های مذهبی و نژادی همراه است)، حضور جاسوسان و گاردهای کمپانی در کمپ‌ها، مضمون اسارت بار قراردادهای کار و خودداری دولت از مجازات پیمانکارانی که بدون پرداخت دستمزد کارگران، شبانه دویی را ترک می‌کنند و یا خود را ورشکسته اعلام می‌دارند، در رنج و عذاب هستند. یکی از کارگران به تلخی به نیویورک تایمز می‌گوید: "کاش ثروتمندان می‌دانستند که چه کسانی این برج‌ها را می‌سازند. کاش آنها می‌آمدند و می‌دیدند که این زندگی چقدر غم‌انگیز است".

نخستین لزه‌ی اعتراض کارگری در سال ۲۰۰۴ به وقوع پیوست. چندین هزار کارگر آسیایی، با شهامت تمام در مسیر اتوبان هشت

باندی شیخ زائد به سوی وزارت کار

راهپیمایی کردند. اما در آنجا کارگران با پلیس ضد شورش مواجه شدند و مقامات دولتی آنها را به دیپورت دسته جمعی تهدید کردند. در طول سال ۲۰۰۵ تظاهرات‌ها و اعتصاب‌هایی در ابعاد کوچکتر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و شرایط ناامن کار، با الهام‌گیری از خیزش بزرگ بهار آن سال کارگران بنگلادشی در کویت، ادامه داشت. در ماه سپتامبر همان سال، حدود ۷۰۰۰ کارگر در یکی از

این دولت - شهر همچنین مینیاتوری است از راج (حکومت انگلستان در هند)؛ منتها از یک لحاظ مهم شهرت بیشتر در بد نامی دارد. بخش بزرگ جمعیت را کارگران قراردادی از جنوب آسیا تشکیل می‌دهند که قانوناً به یک کارفرما وابسته و متعهد هستند و تحت کنترل اجتماعی توتالیته قرار دارند.

بزرگترین تظاهرات در طول تاریخ دویی، به مدت سه ساعت به تظاهرات پرداختند. سپس در ۲۲ مارس ۲۰۰۶، زورگویی نگهبانان، جرقه‌ی یک شورش در محل ساختمان برج عظیم دویی را دامن زد. حدود ۲۵۰۰ کارگر خسته (بسیاری از آنان از مسلمانان هند بودند) که مدتها در انتظار رسیدن اتوبوس‌ها مانده بودند تا آنان را به خوابگاه‌شان در دل کویر برسانند، نسبت به آزار و اذیت نگهبان‌ها، از خود عکس-العمل نشان داده و سپس بر آنها غلبه کرده و کتک‌شان زدند. سپس کارگران به اداره مرکزی شرکت حمله بردند و ماشین‌های شرکت را آتش زدند، اتاق‌ها را به هم ریختند، کامپیوترها را شکستند و پرونده‌ها از بین بردند. صبح روز بعد، لشکری از کارگران با سرپیچی از فرمان پلیس، با تجمع در محل کار از شروع کار، خودداری کردند، تا این که شرکت قبول کرد که دستمزدها را بالا ببرد و شرایط کار را بهبود ببخشد. همزمان، هزاران کارگر در ترمینال جدید فرودگاه به اعتصاب



ملاحظه ای در باره ی مکتب فرانکفورت

م. پرتو - ژاله حیدری

هم اینک مکتب فرانکفورت، در فضای سیاسی جاری ایران، مطرح شده است. ادورنو و هابرماس و دیگر همکاران مکتب فرانکفورت خوانندگان زیادی دارند. گرایش‌های طبقاتی گوناگون، از وابستگان حکومتی تا دانشجویان چپ ضد حکومتی، به تولیدات فکری افراد مکتب فرانکفورت دست می‌یازند تا تلاش‌های سیاسی خود را پیش برند. ادورنو و نوشته‌های قدیمی افراد مکتب فرانکفورت محبوب دانشجویان چپ شده و هابرماس و نظریه‌های کنونی وی مورد علاقه-ی اندیشه‌سازان جناح به اصطلاح "اصلاح طلب" جمهوری اسلامی و طیف دوستداران و همکاران شوروی سابق است.

طیف هواخواهان مکتب فرانکفورت، امروزه می‌تواند چنین گسترده باشد، زیرا بسیاری از متفکرین این مکتب در فراز و نشیب‌های کشمکش میان انقلاب و ضد انقلاب، از منتقدین نظام سرمایه داری تبدیل به حامیان آن شدند. به طور مثال، هابرماس امروز همان هابرماس نسل دوم مکتب فرانکفورت که خود را مارکسیست و منتقد سرمایه‌داری می‌دانست نیست. هابرماس امروز از حامیان گلوبالیزاسیون سرمایه‌داری است. وی طرفدار جاه‌طلبی‌های شوونیستی قدرت‌های اروپایی بوده و معتقد است اروپای واحد باید ارتش واحدی برای "اداره جهان" سازمان دهد. هابرماس می‌گوید ارتش آمریکا قادر به اداره‌ی جهان نیست و این "مسئولیت" بر دوش قدرت‌های سرمایه-داری امپریالیستی اروپا قرار دارد زیرا اروپا میراث‌دار "روشنگری" است و به این دلیل بهتر از آمریکا می‌تواند از پس این جهان وحشی برآید!

پیوستند. اگر چه امتیازات ناچیز در کنار تهدیدهای شدید، باعث شد که کارگران برج دویی و فرودگاه به سر کار برگردند، اما نارضایتی تداوم یافت. در ژوئیه همان سال صدها نفر از کارگران پروژه "مزرعه عربی" در جاده امارات، در اعتراض به کمبود دائمی آب برای پخت غذا و شستشو شورش کردند. کارگران دیگر برای ایجاد اتحادیه به تجمع مخفی پرداختند و بنا بر گزارش‌ها، تهدید کردند که در برابر پاساژها و هتل‌ها تظاهرات به راه خواهند انداخت.

صدای نافرمانی کارگر در کویر، بلندتر از هر جای دیگر طنین می‌افکند. حقیقت این است که دویی همان قدر بر روی کار ارزان حساب باز کرده است که بر روی نفت گران؛ و مختموم‌ها، مانند پسرعموهایشان در بخش‌های دیگر امارات، دقیقاً آگاه هستند که فرمانروایی آنان بر آن سرزمین، بر گرده کارگران جنوب آسیا بنا شده است. به سیمای دویی به عنوان بهشت آرام سرمایه، آنچنان بها داده شده که کوچکترین ناآرامی می‌تواند تاثیر بیش از اندازه بر اعتماد سرمایه‌گذاران بگذارد. بنابر این در حال حاضر دویی مشغول بررسی راه‌های گوناگون پاسخ به ناآرامی‌های کارگری است، از اخراج گرفته تا دستگیری‌های عمومی و تا اجازه برای انعقاد قراردادهای دستجمعی. اما تحمل اعتراضات، این ریسک را دارد که موجب طرح خواسته‌ای بعدی نه فقط برای ایجاد اتحادیه، بلکه حق شهروندی گردد و بنابراین، اساس حکومت مختموم را در خطر اندازد. هیچکدام از سهامداران در دویی - نه نیروی دریایی آمریکا، نه میلیاردرهای سعودی و نه مهاجرین خوش گذران - نمی‌خواهند که شاهد پیدایش یک "جنبش همبستگی" در دل کویر باشند.

المختموم به خود به عنوان پیامبر مدرنیزاسیون می‌بالد و علاقمند است که ملاقات‌کنندگان خود را با با ضرب‌المثل‌های هوشمندانه و کلمات قصار تحت تاثیر قرار دهد. یکی از عبارتهای مورد علاقه او این است: "کسی که برای تغییر آینده تلاش نمی‌کند در زندان گذشته باقی خواهد ماند". اما آینده‌ای که او- با تشویق میلیاردرها و کمپانی‌های بین‌المللی در سراسر دنیا- در حال ساختن آن در دویی است، به هیچ چیز دیگر به اندازه ی یک کابوس گذشته، شبیه نیست.

دی ماه ۱۳۸۵

(۱) نیو لفت رویو شماره ۴۱ سپتامبر - اکتبر ۲۰۰۶

<http://newleftreview.org.uk/?page=article&view=26>

35

